

## "به نفس افتادن" صنایع و تشدید تعرض به کارگران!

یکی از خصوصیات شرایط کنونی در جامعه ما گسترش اعتراضات کارگری می باشد. در واقع روزی نیست که کارگران کارخانه ای در اعتراض به عدم رسیدگی کارفرمایان و دولت به خواست هایشان، دست به اعتصاب و یا تجمع اعتراضی نزنند. با تشدید بحران اقتصادی و زیاده خواهی های بورژوازی انگل صفت حاکم و تلاش آنها جهت سرشکن کردن بار هر چه بیشتر مصائب بحران بر دوش کارگران، ما شاهد تعطیلی روز افزون واحد های تولیدی، گسترش اخراج و بیکاری، و در یک کلام شاهد تشدید یورش بورژوازی حاکم به زندگی و معاش طبقه کارگر ایران هستیم. در تایید این روند و برای ذکر یک مثال می توان به اظهارات رئیس هیات مدیره سندیکای تولیدکنندگان تجهیزات برقی صنعت برق ایران اشاره کرد که اخیراً مطرح نمود که تنها در یک مورد به دلیل تعطیلی ۳ کارخانه و از جمله کارخانه "آونگان"، یک ماه مانده به آغاز سال جدید، ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ کارگر از کار بیکار شده اند. بنا به اظهارات یکی از مقامات استان کردستان نیز "در حال حاضر از مجموع ۱۵۰ واحد فعال در شهرک صنعتی سنندج حدود ۶۰ واحد تعطیل شده اند و روند تعطیلی واحدهای صنعتی و همچنین تعدیل نیرو همچنان ادامه دارد". شدت وخامت اوضاع در صنایع کشور به گونه ای ست که بنا به اعترافات مقامات رژیم در ماه های اخیر صنعت "به سختی نفس می کشد".

تحت تاثیر چنین شرایطی، کارخانه های کشور بطور طبیعی بیش از گذشته صحنه اعتراض کارگران شده است و در این میان اعتراض جهت دریافت دستمزد های معوقه، نقش اصلی را یافته که خود بیانگر این واقعیت است که بورژوازی ایران حتی از پرداخت حقوق رسماً پذیرفته شده کارگران نیز سر باز می زند. از میان نمونه های بسیار که حتی در مطبوعات خود رژیم هم منعکس شده است، در زیر به چند مورد اشاره می کنیم که همگی جدیداً رخ داده اند.

به گزارش ایلنا که یکی از خبرگزاری های جمهوری اسلامی است در ۱۳ اسفند ماه تعدادی از کارگران کارخانه **سیمین اصفهان** به دلیل عدم دریافت حقوق، روبروی استانداری این شهر دست به یک **تجمع اعتراضی** زدند که با دخالت نیروی انتظامی کارگران معترض اجباراً پراکنده گردیدند. باز هم در اصفهان از آنجا که بیش از ۲۰۰ کارگر **شرکت متک** ۷ ماه است که حقوق نگرفته اند و کارفرما تاکنون به هیچ یک از وعده های خود مبنی بر پرداخت حقوق کارگران اقدام نکرده است کارگران معترض در دفتر این شرکت در سه راه توحید اصفهان دست به یک **تجمع اعتراضی** زدند تا کارفرما را مجبور به پرداخت حقوق های معوقه خود نمایند. و با در در اوائل اسفند ماه، ۲۵۰ نفر از کارگران **شرکت چینی البرز** در اعتراض به عدم پرداخت ۹ ماه حقوق خود یک تجمع اعتراضی بر پا نموده و **جاده قزوین به شهرک صنعتی البرز را بیش از یک ساعت بستند** که با دخالت نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی اجباراً پراکنده شدند.

این نمونه ها که بروشنی خبر از گسترش اعتراضات کارگری می دهد در همان حال نشان می دهد که کارفرمایان کشور که دولت خود یکی از بزرگترین های آنهاست چگونه با عدم پرداخت حقوق کارگران می کوشند بار مشکلات بحران کنونی را بدوش کارگران سرشکن نموده و جیب های خود را کماکان پر نگاه بدارند. به همین خاطر است که امروز تعداد کارگرانی که مدتهای مدیدی است که دستمزد خود را نگرفته اند بسیار زیاد است. همانطور که این اخبار نیز نشان می دهند کارگران برخی از واحد های تولیدی بیش از ۹ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند که به نوبه خود ابعاد خانه خراب کن یورش وحشیانه بورژوازی ایران به زندگی و معیشت کارگران را با وضوح تمام نشان میدهد. در شرایطی که حداقل دستمزد -برای امسال - یعنی همان حقوقی که ماه ها پرداخت نمی شود و کارگران برای دریافت آن باید سرسختانه مبارزه کنند، ۲۶۵ هزار تومان می باشد بر اساس تازه ترین بر آورد کارشناسان مستقل، خط فقر برای یک خانواده ۵ نفره در تهران ۷۸۰ هزار تومان می باشد. ارزیابی ای که از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی هم بطور ضمنی تأیید شده است. این واقعیت نشان می دهد حقوق کارگران عملاً سه برابر کمتر از خط فقر می باشد. حال وضع معیشت کارگری را تصور کنید که در صورت دریافت همه حقوق خود هم قادر به تامین نیازهای خود و خانواده اش نیست و با این همه کارفرمایان از پرداخت همین دستمزد هم خودداری می کنند. به واقع این آمار و این وضع نشان می دهد که

بورژوازی ایران سر مست از انبوه کارگران بیکاری که در جلوی در کارخانه ها صف بسته اند، وحشیانه ترین برخورد ممکن را با نیروی کار در پیش گرفته و همه کارگرانی که دریافتی شان در محدوده حداقل دستمزد می باشد را به قعر فقر و فلاکت سوق داده است.

این امر در حالیکه نشان می دهد که توازن قوای طبقاتی موجود به هیچ وجه به نفع کارگران نمی باشد، در همان حال این واقعیت را نیز برملا می سازد که کارگران اگر خواهان رسیدن به خواستههایشان هستند چاره ای جز مبارزه و اعتراض در پیش ندارند. در عین حال، در جریان همین اعتراضات میباشد که کارگران به قدرت یگانگی خود پی برده و در می یابند که بدون تشکل قادر به رسیدن به خواستههای خود نیستند. اما گام برداشتن در راه تشکل بروشنی به آنها میآموزد که مانع اصلی پراکندگی صفوف اعتراض آنها ماشین دولتی سرکوبگری است که با توسل به زور و شکنجه و زندان ، هیچ حد از تشکل مستقل کارگری را بر نمی تابد و به همین دلیل هم مبارزات طبقه کارگر باید سرنگونی این دیکتاتوری لجام گسیخته را آماج مبارزات خود قرار دهد. در چنین شرایطی تبلیغات فریبکارانه ای که در تلاش است به کارگران چنین وانمود نماید که در چهارچوب این دیکتاتوری وحشیانه به مثابه عامل اصلی حفظ سلطه سرمایه داران انگل صفت، امکان رسیدن به خواستههای اصلی آنها وجود دارد، رنگ می بازد.